



شهادت منتهای آرزوی مردان خدا...

زندگی، دیدگاه‌ها و تلاش‌های چهارمین شهید محراب

قمری، دریافت کرد. آیت‌الله اشرفی اصفهانی در سال ۱۳۳۵ خورشیدی برای اداره حوزه علمیه کرمانشاه و نیز امر تدریس، به نمایندگی از آیت‌الله العظمی بروجردی (ره) رهسپار آن دیار شد. شهید، در مدت ۲۶ سال اقامت در کرمانشاه، ضمن اداره حوزه علمیه و تدریس علوم اسلامی - از جمله سطوح عالی حوزه - به تبلیغ و ارشاد مردم منطقه پرداخت. شهید اشرفی اصفهانی، از زمان قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تا پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، به مبارزه علیه رژیم طاغوتی و منحن پهلوی، از طریق اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های روشن‌گرانه، پرداخت. به همین سبب بارها مورد خشم رژیم قرار گرفت. مثلاً یک‌بار - در آستانه پیروزی انقلاب - به‌وسیله مزدوران رژیم، شبانه دستگیر و روانه زندان کمیته شهربانی تهران شد. اما پس از آزادی، لحظه‌ای از تلاش باز نایستاد و جزو علمایی بود که به همراه آیت‌الله شهید استاد مرتضی مطهری، ضمن تحصن در دانشگاه تهران، خواستار بازگشت فوری حضرت امام شد.

آیت‌الله اشرفی اصفهانی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از سوی حضرت امام خمینی (ره) عهده‌دار مسؤلیت امامت جمعه در کرمانشاه شد و حدود ۳ سال در این سنگر انجام وظیفه کرد. او همواره با ضد انقلاب، منافقین، رژیم صدام و اربابان آمریکایی و صهیونیستی‌اش، به مبارزه برمی‌خاست و در این راه دو بار مورد سوء قصد نافرجام قرار گرفت. این عالم ربانی و عارف وارسته سرانجام در روز جمعه ۲۳ مهر ۱۳۶۱ خورشیدی، پیش از ایراد

را گذراند و سپس در سن ۲۰ سالگی راهی حوزه علمیه قم شد. ابتدا به‌مدت یک سال در مدرسه رضویه سکونت یافت و سپس به‌همراه مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالجواد جبل‌عاملی در حجره فوقانی شمالی مدرسه فیضیه رحل اقامت افکند. در نهایت به حجره شماره ۲۱ همین مدرسه منتقل شد و به‌مدت ۲۰ سال پیاپی، در همان حجره ماند. شهید، به‌سبب تنگدستی و فقر شدید نمی‌توانست

شهید اشرفی اصفهانی، از زمان قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تا پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، به مبارزه علیه رژیم طاغوتی و منحن پهلوی، از طریق اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های روشن‌گرانه، پرداخت. به همین سبب بارها مورد خشم رژیم قرار گرفت.

خانهای اجاره کند و خانواده‌اش را به قم بیاورد. ایشان در تمامی این ۲۰ سال، در محضر مراجع بزرگ تقلید، همانند آیات عظام، مرحومان حائری، بروجردی و علمای ثلاث - حجت، خوانساری و صدر - به کسب علوم اسلامی پرداخت و در سن ۴۰ سالگی به اخذ درجه اجتهاد نائل آمد. شهید، اجازه اجتهاد خود را از مرحوم آیت‌الله العظمی سیدمحمدتقی خوانساری (ره)، در سال ۱۳۶۲

حضرت آیت‌الله عطاءالله اشرفی اصفهانی در شعبان‌المعظم ۱۳۲۲ قمری برابر با سال ۱۳۸۱ خورشیدی در خانواده‌ای روحانی در سده (خمینی‌شهر فعلی) دیده به جهان گشود. وی، تنها فرزند ذکور حجت‌الاسلام میرزا اسدالله - از ائمه جماعت و اهل منبر - بود. مرحوم میرزا اسدالله دارای کمالات و سجایای اخلاقی فراوانی بود و خود، فرزند حجت‌الاسلام میرزا محمدجعفر، از اهل فضیلت سده، بود. جدّ اعلای ایشان نیز از علمای جبل‌عامل بود و نسب این خاندان به همین منطقه در لبنان می‌رسید که به گفته خود شهید محراب، اجداد آنها در صدر اسلام به برکت وجود ابوزر - صحابی گران‌قدر رسول خدا (ص) - به اسلام گرویده بودند. از طرف مادر نیز، نسب شهید به سادات می‌رسد. چرا که والده ایشان، علویه و از خانواده مؤیدی - از سادات معروف و صحیح‌النسب اصفهانی - بودند و نسب‌شان به حضرت امام‌حسن مجتبی (ع) می‌رسد.

باری، شهید، دوران کودکی را در سده سپری کرد و تحصیلات ابتدایی و مقدماتی را در همان‌جا در نزد مرحوم سید مصطفی فراگرفت. «عطاءالله» کوچک، به‌قدری دارای هوش و ذکاوت بود که در سن ۹ سالگی نصاب صبیان را از حفظ بود. در ۱۲ سالگی، برای ادامه تحصیل رهسپار شهر اصفهان شد و به‌مدت ۱۰ سال، در حوزه علمیه اصفهان، در محضر اساتیدی چون آیت‌الله‌های مرحوم فشارکی، درجهای، نجف‌آبادی و مدرّس، دروس ادبیات، سطح و نیز یک دوره درس خارج فقه و اصول

بی‌گمان و به گفته بسیاری از بزرگان، و معاشران شهید، بهترین راه برای شناخت آن عالم والا مقام، مراجعه به پیام حضرت امام (ره) است. پیام الهی امام امت، معجونی از مقامات و فضایل یک شیعه واقعی و انسانی گران قدر و صاحب حالات الهی و سزاوار توجه و عنایت همیشگی است.

خالی بودن از هواهای نفسانی

«الهی، این تویی که اغیار را از دل‌های دوستانت زدودی، تا آن‌که به‌جز تو را دوست نداشتند.» [امام حسین (ع) در فرازی از دعای عرفه]

شهید محراب با تأسی بر فرموده مولایش حسین (ع) و نیز امام صادق (ع) که فرموده‌اند: «قلب، حرم خداوند است»، قلبش را از اغیاری نظیر حبّ ریاست، مال، نفس، شهوت و دنیا خالی کرد تا آن‌جا که همه چیز را با چشم الهی می‌دید و چه زیبا، این‌گونه، دیده‌هایش را به دیگران منتقل می‌کرد:

«روحیه برادران رزمنده، پیش‌روی آن‌ها و فتوحاتی را که حاصل شده، در خدمت امام عنوان کردیم. ما در فتوحات، هر چه دیدیم، فقط خدا را دیدیم. یعنی معلوم بود که فقط نیروی غیبی و الهی و حمایت امام عصر (عج)، پشتیبان رزمندگان ما بوده است، و الا ما به رموز جنگی وارد نیستیم. تا اندازه‌ای که رفتیم و بررسی کردیم، فقط دست خدا را دیدیم و حمایت غیبی و مدد الهی و حمایت امام زمان (ع)، و این فتوحات که به دست آمده، شیهه اعجاز است.»

تارک هوی

«شجاع‌ترین مردم کسی است که بر هوی نفسش غلبه کند.» [حضرت علی (ع)]

امیرمؤمنان (ع) در فرموده دیگرش، زهد را برخاسته از ترک هوی نفس و زینت و دنیا می‌داند

خطبه‌های نماز جمعه، در مسجد جامع کرمانشاه، بر اثر انفجار نارنجک توسط یکی از منافقین، در سن ۸۰ سالگی، شربت شهادت نوشید و به سلسله جلیله شهدای محراب - از امیرالمؤمنین علی (ع)، تا شهیدان محراب انقلاب خمینی (ره) - پیوست.

سیمای معنوی شهید

بی‌گمان و به گفته بسیاری از بزرگان، و معاشران شهید، بهترین راه برای شناخت آن عالم والا مقام، مراجعه به پیام حضرت امام (ره) است. پیام الهی امام امت، معجونی از مقامات و فضایل یک شیعه واقعی و انسانی گران قدر و صاحب حالات الهی و سزاوار توجه و عنایت همیشگی است. چرا که شناخت صحیح ابعاد وجودی علمای راستین، مناسب‌ترین الگوی رفتاری برای جامعه اسلامی است؛ علی‌الخصوص آن بزرگوارانی که به اعلی درجه، یعنی مقام شهادت، نائل شده‌اند.

با این مقدمه، بر مبنای پیام حضرت امام، توضیحات مختصری در مورد فضایل آن فقید فرزانه در ذیل می‌آید:

صفای نفس

سالک، با ترک گناه و عمل به دستورات الهی، از طریق جهاد اکبر و مبارزه با نفس، وجود خود را صیقل می‌دهد و موجب صفای نفس خود می‌شود. وقتی کسی به چنین مقامی برسد، وجودش در نظر هر انسانی یادآور "محبوب" است؛ هم‌چنان‌که امام درباره شهید فرمودند: "هر وقت آقای اشرفی را می‌بینم به یاد خدا می‌افتم."

آرامش روح انسانی به مقام بلند آرامش می‌رسد که همه امور را به پروردگار وا گذارد و با تمام وجود به ذات اقدس الهی توکل کند. چنین شخصی از حوادث عالم ترس و دلهره ندارد، چون همه چیزش را به محبوب سپرده است. این آرامش را، مدام، در مواجهه‌های شهید با تهدیدهای دشمنان، به‌خوبی می‌توان دریافت. به‌ویژه آن‌جا که می‌فرماید: "شهادت، منتهای آرزوی من است."

این کلام آن بزرگوار، نشانه‌ای از قوت نفس و صلابتش در برابر ناملاامت‌هاست، و ثمره تقوا و خداترسی اوست. حضرت امام در جای دیگری از پیام نورانی‌شان، به این نکته اشاره و شهید اشرفی اصفهانی را انسانی قوی النفس معرفی می‌کنند.

اطمینان قلب

از ابن عباس نقل می‌کنند که از حضرت رسول (ص) در خصوص آیه شریفه "... أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ" پرسید که چه کسانی با ذکر خدا دل‌هایشان آرام می‌گیرد، و حضرت فرمودند: "آن‌ها، ما اهل بیت و شیعیان‌مان هستیم."

بی‌گمان شهید محراب از شیعیان خالص و واقعی اهل بیت (ع) بود و بهترین شاهد این مدعا، سیره عملی و اردات فوق‌العاده‌اش به آن پاکان است. هم‌چنان‌که نزدیکان شهید نقل می‌کنند، او همواره لبانش به ذکر خدا مشغول بود و کلمه‌هایی مانند "یاالله" و "یاحسین" بر زبانش جاری می‌شد. هر گاه این کلمه‌ها را می‌گفت، رخسارش برافروخته می‌شد و بر شنونده چنان تأثیری می‌گذاشت که گویی ندایی آسمانی شنیده است.

و شهید اشرفی اصفهانی به‌حق، مصداق این روایت شریف است، چنان‌که برای در آغوش گرفتن شاهد وصال شهادت، از خواهش‌ها و حتی امیال مباح و حلال نیز فاصله گرفت و فارغ از هر گونه تعلقی، خود را آماده جان‌بازی در راه مکتب نورانی سید و سالار شهیدان (ع) کرد. شهید اشرفی ۱۳ روز قبل از شهادت در محراب عبادت گفته بود: "امیدوارم چهارمین شهید محراب، من باشم."

اطاعت امر مولا

رسول اکرم (ص) می‌فرمایند: "خدای تبارک و تعالی فرمود: من مطیع کسی هستم که اطاعت کند."

در سوره نساء، آیه ۸۰، نیز داریم: "مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ؛ کسی که از پیامبر اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده."

پس، کسی که از پیامبر اعظم (ص) اطاعت کند، از خداوند اطاعت کرده و در آیه ۶۹ از همین سوره مبارکه نیز تأکید شده است که چنین کسی در روز رستاخیز هم‌نشین کسانی خواهد بود که خداوند نعمت خود را بر آنان تمام کرده، از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان، و آن‌ها رفیقان خوبی هستند.

شهید اشرفی اصفهانی، مزد اطاعت از خدا و رسولش را از دست مبارک نخستین شهید محراب، مولای متقیان علی (ع)، دریافت کرد و این، بالاترین سعادت‌هاست.

جامع علم مفید

علم مفید، علمی است که عالم به علم خود عمل کند و نیز عملش برای آخرت و هدایت مردم، نافع باشد. اولین فایده علم به عالم برمی‌گردد؛ وقتی که به علمش عمل کند.

شهید محراب، ضمن این‌که خود را از زلال علم اهل بیت (ع) سیراب کرد و علاوه بر مقام منبع اجتهاد و فقاقت و علمیت، صاحب تألیفات وزینی چون "مجمع الشتات" در هفت مجلد، "برهان قرآن" در یک مجلد و تقریرات و نوشته‌های چاپ نشده دیگری شد. ایشان، خود، در این باره گفته است:



شهید محراب در حال سخنرانی

با نگاهی کوتاه به زندگی ایشان، درمی‌یابیم که از زمان به ثمر نشستن تا لحظه شهادت، به صورت مداوم، در خدمت اسلام و شریعت ناب محمدی (ص) بوده است. شهید، در قم خویش را وقف مکتب نورانی حضرت امام صادق (ع) کرد.



شهید محراب در حال نماز و حضور جمعی از بزرگان خلیفه‌های نماز جمعه

کردن این مبلغ بود (و در واقع مبلغ، بلاعوض بوده است). در وصیت‌نامه‌اش آمده است: «نصف منزل مسکونی، متعلق به امام امت است و پس از مرگ من، ورثه باید پول آن را به امام بدهند». این شخصیت ممتاز و برجسته، عالمی بود که تمام عمر مبارکش را وقف اعتلای کلمه الله کرد و مصدر فیوضات بسیار ارزش‌مندی شد. امام خمینی (ره) در همان نامه در مقام دعا برای شهید محراب فرموده‌اند: «از خدای تعالی ادامه فیوضات حضرت عالی را در اعلا کلمه طیبه اسلام مسألت دارم».

عمل صالح

عمل صالح، در واقع یک عمل مرکب است که از سه بخش تشکیل شده و عبارت است از: نیت، عمل مبتنی بر نیت و استمرار نیت. باری، زندگی هر انسانی در این دنیا، فراز و نشیب فراوانی دارد و بهترین نتیجه و برترین میوه‌ای که می‌تواند داشته باشد، رسیدن به قرب الهی است و این‌که انسان در حالی از دنیا برود که دارای ایمان الهی باشد.

وقتی به زندگی عالمی متقی، مثل شهید محراب اشرفی اصفهانی، به دیده توجه می‌نگریم، می‌بینیم که این زندگی مملو از خیرات، برکات و اعمال صالحه است و به بهترین نتیجه ممکن نیز منتهی می‌شود، و آن چیزی نیست جز شهادت، با وضعیت خاصی که گویای عظمت و علو درجه این پیرغلام نخستین شهدای محراب، امیرالمؤمنین علی (ع) است، و فارغ از هر گونه توضیح است.

در خصوص چگونگی شهادت شهید محراب، به نقل از شاهدان عینی حادثه آمده است که پس از انفجار، بلافاصله، هر دو پای شهید تقریباً قطع شد و ایشان به حالت سجده بر روی زمین افتاد و درحالی‌که ذکرش "حسین، حسین" بود به بیمارستان منتقل شد. در آنجا نیز، تا لحظه آخر، این ذکر از عمق وجود شهید شنیده می‌شد و در حال ذکر محبوب، به دیار یار شتافت.

فردی بی‌آزار

رسول اکرم اسلام (ص) فرمودند: "مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبانش در امان باشند".

در طول زندگی شهید بزرگوار، آزار فراوانی از ناحیه افراد مغرض و معاند و بعضاً ناآگاه به ایشان می‌رسید تا آن‌جا که به خانواده‌شان گفته بودند: "پس از مرگ برایتان زیاد گریه کنید، زیرا من خیلی مظلوم واقع شدم". البته این مظلومیت و آزارهایی که به ایشان می‌رسید، ابتلائی بود که در مسیر تکامل

۲- اقامه نماز جماعت در مسجد آیت‌الله بروجردی (ره).

۳- برگزاری جلسات تفسیر قرآن کریم در شب‌های شنبه.

۴- برگزاری جلسات اخلاق.

۵- اهتمام خاص به رفع مشکلات منطقه (در حد توان).

۶- تأسیس حوزه علمیه حضرت امام خمینی (ره) کرمانشاه.

۷- تأسیس مسجد النبی (ص) تاق بستان کرمانشاه.

۸- تأسیس حوزه علمیه مکتب الزهرا (س) در خمینی شهر اصفهان.

۹- ساخت مسجد امام حسین (ع) در خمینی شهر.

۱۰- تجدید بنای مسجد ولی عصر (عج) خمینی شهر.

۱۱- تأسیس مجتمع فرهنگی و دانشگاه علوم قرآنی کرمانشاه (که بعد از شهادت ایشان، به نام شهید محراب مورد استفاده قرار گرفت).

این همه برکات و آثار، نتیجه تقوا و پارسایی کم‌نظیر آن پیر فرزانه است. بزرگی که با این همه تلاش تا مدت‌ها در همین شهر کرمانشاه، در منزلی اجاره‌ای سکونت داشت و بعدها تعدادی از مؤمنان، با قرض فراوان برایش منزلی فراهم کردند و پرداخت دیون و بدهکاری‌ها، به اصرار شهید به خودش واگذار شد، اما کثرت بدهی وی - بابت منزل مسکونی و سنگین آن - موجب شد تا حضرت امام (ره) در نامه پنجم جمادی‌الاولی سال ۱۳۵۸ به شهید دستور دهند تا از سهم امام، همه قرض‌ها و دیون را پرداخت کنند. عین کلام حضرت امام (ره) این است:

«جناب‌عالی، مجاز هستید قروض خودتان را از وجوهی که می‌رسد، پرداخت فرمایید و زائد را به قم ایصال نمایید».

پس از صدور این فرمان نیمی از مبلغ خانه پرداخت شد، اما با همه این‌که شهید مجاز به هزینه

"در قم که بودیم، سطوح عالی را تدریس می‌کردیم. به کرمانشاه هم که آمدیم، تا یکی دو سال قبل که چشمان‌مان ضعیف نشده بود، همین سطوح عالی، مثل رسائل و مکاسب و کفایه را تدریس می‌کردیم و در ماه مبارک رمضان و غیر از آن جلسات تبلیغی هم داشتیم. البته، بنده، علاقه‌ام این است که مطالبی را که عنوان می‌کنم، جنبه تفسیری داشته باشند". ایشان تسلط خاص و ممتازی بر آیات قرآن داشت، تا آن‌جا که در خطبه‌های نماز جمعه و سخنرانی‌ها، تا حد امکان، از آیات کریمه قرآن استفاده می‌کرد.

حضرت امام (ره)، در بخش دیگری از پیام‌شان، شهید محراب را عالمی خدمت‌گزار معرفی می‌کنند که عبارتی است جامع و درخور توجه خاص و نیز حاوی نکات مهمی از زندگی آیت‌الله اشرفی اصفهانی است.

با نگاهی کوتاه به زندگی ایشان، درمی‌یابیم که از زمان به ثمر نشستن تا لحظه شهادت، به صورت مداوم، در خدمت اسلام و شریعت ناب محمدی (ص) بوده است. شهید، وقتی در قم و محضر اساتید بزرگواری هم‌چون آیت‌الله العظمی بروجردی (ره) اقامت داشت و ضمن تحصیل معارف الهی، خود نیز از استادان برجسته حوزه علمیه قم بود و خویش را وقف مکتب نورانی حضرت امام صادق (ع) کرد و به‌عنوان استادی عالی‌رتبه و دلسوز به تعلیم علوم اهل بیت (ع) به طلاب تشنه معرفت، همت گمارد و از ابتدا تا سطوح عالی حوزه را تدریس می‌کرد و خدمات شایسته‌ای در این سنگر برای تربیت طلاب ارائه داد و زمانی که به دستور استاد عزیزش، راهی کرمانشاه شد و ۲۷-۸ سال از عمر پربارش را در آن منطقه سپری کرد، وجود مبارکش، منشأ خدمات مؤثر و برکات زیادی بود که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- تدریس علوم و معارف اسلامی در سطوح مختلف حوزه علمیه آیت‌الله العظمی بروجردی (ره).

روحی شهید، بسیار مؤثر افتاد و این قبیل ابتلائات، خاصاً اولیاء الهی است.

اما در مقابل، حتی یک نفر از آن‌ها با ناراحتی، خشم یا تلافی شهید روبه‌رو نشد و آن بزرگوار، هرگز موجبات دل‌شکستگی کسی را فراهم نکرد. بالاتر از این‌ها، آزار شهید، حتی به حیوانات هم نمی‌رسید و کلام امام (ره)، در پیام‌شان، صحنه بر همین امر می‌گذارد که شهید، آزارش به موری هم نرسیده بود.

مجاهد متعهد قوی النفس

«او در جبههٔ دفاع از حق، از جمله اشخاصی بود که مایه دلگرمی جوانان مجاهد بود». این بخش از پیام الهی امام (ره)، دربرگیرندهٔ یکی از برجسته‌ترین صفات شهید محراب است که از اهمیت بالایی برخوردار است. حضور این پیرمرد هشتاد ساله، در صحنه‌های دفاع از اسلام و انقلاب، بی‌اختیار، انسان را به یاد پیرسالار سپاه امام شهیدان، حضرت حسین بن علی (ع) می‌اندازد. سلام خدا بر حبیب و سلام خدا و رسولش بر شهید محراب اشرفی اصفهانی که وجودش همواره زنده‌کنندهٔ یاد حبیب است.

یکی از مهم‌ترین فرازهای زندگانی شهید محراب، مبارزه فعال با مظاهر ظلم و جور است که از دو بخش تشکیل شده است:

مبارزات قبل از انقلاب

در زمان حاکمیت طاغوت بر سرزمین اسلامی‌مان، شهید عزیز، در پیروی از رهبر محبوبش امام خمینی (ره)، لحظه‌ای دست از مبارزه علیه رژیم منحوس پهلوی برنداشت و سختی شکنجه و زندان را، برای رضای خدا، با جان و دل پذیرفت. چنان‌که خود درباره زندان کمیته شهربانی گفته است: «در ایامی که در زندان بودیم، نمی‌فهمیدیم که چه وقت شب است و چه وقت روز. برای انجام نمازهای واجب نمی‌توانستیم اوقات را تشخیص بدهیم. مأموران، اوقات نماز را از پشت در زندان، اعلام می‌کردند که الآن ظهر است یا شب یا صبح. برای وضوگرفتن هم باید در زندان را می‌زدیم، تا مأموران زندان بیایند و در را باز کنند و در وقت بیرون رفتن،

یک پارچه بر سر ما می‌انداختند تا در وقت رفت و آمد همدیگر را نبینیم».

از ویژگی‌های بارز شهید، در این دوره، شجاعت و صلابت اوست که از این شخصیت معنوی، مجاهدی قوی‌النفس ساخته بود. آیت‌الله اشرفی، در تمامی راه‌پیمایی‌های مردمی کرمانشاه، پیشاپیش مردم حرکت می‌کرد و حتی در یکی از این تظاهرات، مورد حمله گارد و مأموران ساواک قرار گرفت و مجروح شد. بار دیگر، زمانی بود که از سوی ساواک، تهدید به مرگ شد، اما شجاعانه در مقابل آن ددمشنان ایستادگی کرد.

پس از انقلاب و دفاع مقدس

به محض پیروزی انقلاب اسلامی، شهید بزرگوار در کنار حضرت امام (ره) و دیگر یاران باوفای معظم له، به دفاع از آرمان‌های بلند اسلام ناب محمدی پرداخت و از نخستین روزهای شروع جنگ تحمیلی، در کنار رزمندگان، در جبهه‌ها حضور یافت. شرح فعالیت‌های شهید، در جبهه‌های نبرد و نیز عیادت ایشان از مجروحان جنگی و حضور در تشییع پیکرهای پاک شهیدان، به تفصیل در گفت‌وگوهای همین ویژه‌نامه آمده است.

مصدق "رجال صدقوا ما عاهدوا الله..."

از لطیف‌ترین نکات پیام تاریخی امام (ره)، اشاره به این آیه شریفه است: «مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا بُدْيَلًا؛ در میان مؤمنان، مردانی هستند که بر سر عهده‌ای که با خداوند بستند صادقانه ایستاده‌اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند - و در راه شربت شهادت نوشیدند - و بعضی دیگر در انتظارند و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند». [احزاب، آیه ۲۳]

این آیه شریفه، درباره مجاهدان فی سبیل الله است که پیمان می‌بندند که تا آخرین نفس از اسلام و مکتب پیامبر (ص) دفاع کنند و صحنه نبرد را خالی نکنند. بالاترین مصادیق این آیه، وجود مبارک امیرالمؤمنین (ع)، حمزه سیدالشهدا و جعفر بن ابی‌طالب در صدر اسلام هستند و امام خمینی

(ره)، چه نغز و زیبا، شهید اشرفی اصفهانی را در زمرهٔ مصادیق این آیه جاودانه می‌دانند. هم‌چنان‌که خود شهید در این باره می‌فرماید: «در اسلام، مافوق شهادت، ما دیگر مقامی بالاتر نداریم. برای این‌که خداوند عالم، در قرآن، در چند جا، خطاب به مردم و نیز خطاب به پیامبر اکرم (ص)، می‌فرماید که خیال نشود به این‌که شهدای راه خدا، آن‌هایی که جان خودشان را در راه خدا داده‌اند و هدف‌شان اسلام بوده و حفظ اسلام عزیز و قرآن، مرده‌اند، بلکه این‌ها زنده‌اند...»

شهید، در جای دیگری، با اشاره به ترور ناموفق منافقین در خصوص خودش، می‌فرماید: «بنده، اولاً که خود را لایق شهادت نمی‌دانم. برای این‌که مقام شهادت، یک مقامی است که همه کس نصیبش

■ ■ ■

آیت‌الله اشرفی، در تمامی راه‌پیمایی‌های مردمی کرمانشاه، پیشاپیش مردم حرکت می‌کرد و حتی در یکی از این تظاهرات، مورد حمله گارد و مأموران ساواک قرار گرفت و مجروح شد. بار دیگر، زمانی بود که از سوی ساواک، تهدید به مرگ شد...

نمی‌شود. یک نوبت، ما در معرض واقع شدیم. نسبت به بنده، منافقین می‌خواستند ما را هدف قرار بدهند، ماه مبارک رمضان بود و افتخاری دیگر از این بالاتر نبود. در حال طهارت، رفتن به طرف خانه خدا و در حال روزه، و ما اگر هر آینه دعوت خدا را لیبیک گفته بودیم، این افتخاری بود برای ما و برای خانواده‌مان، ولیکن نشد و ما تسلیم قضا و قدر الهی هستیم، ولیکن امیدواریم ما چهارمین شهید محراب باشیم و خداوند از ما بپذیرد و در آن حال، اخلاصی هم باشد؛ ثابت قدم و ثبات در ایمان؛ که عهد همان است. من مکرر گفته‌ام به این‌که اگر خداوند، شهادتی نصیب ما کرد، در آنی است که ایمان ما ثابت باشد، یعنی ثابت قدم باشیم در ایمان و توجه به خداوند عالم، و هدف‌مان از شهادت این نباشد که بعد از کشته شدن‌مان، مثلاً بگویند جزو شهداست؛ هدف خدا باشد و منظور خدا باشد...»

و با مرور همین سخنان شهید است که فرموده امام در خصوص ایشان، مصداق پیدا می‌کند: «چه سعادت‌مند آنان که عمری را در خدمت به اسلام و مسلمین بگذرانند، و در آخر عمر فانی، به فیض عظیمی که دل‌باختگان به لقاءالله آرزو می‌کنند نائل آیند...»

سلام بر تو ای عطای خدا، ای شهید محراب، روزی که خداوند مقدر فرمود به دنیا بیایی، روزی که مقدر فرمود به زیباترین وجهی - شهادت - از دنیا بروی و روزی که دوباره برانگیخته خواهی شد و خندان و شادان زندگی اخروی را شروع خواهی کرد؛ هم‌چنان‌که در زندگی دنیوی نیز - فارغ از هر قید و بند مادی و عسرتی - این چنین بودی. ■

با نگاهی به کتاب «اخلاق از دیدگاه شهید اشرفی اصفهانی» نوشته مجتبی عزیزی

